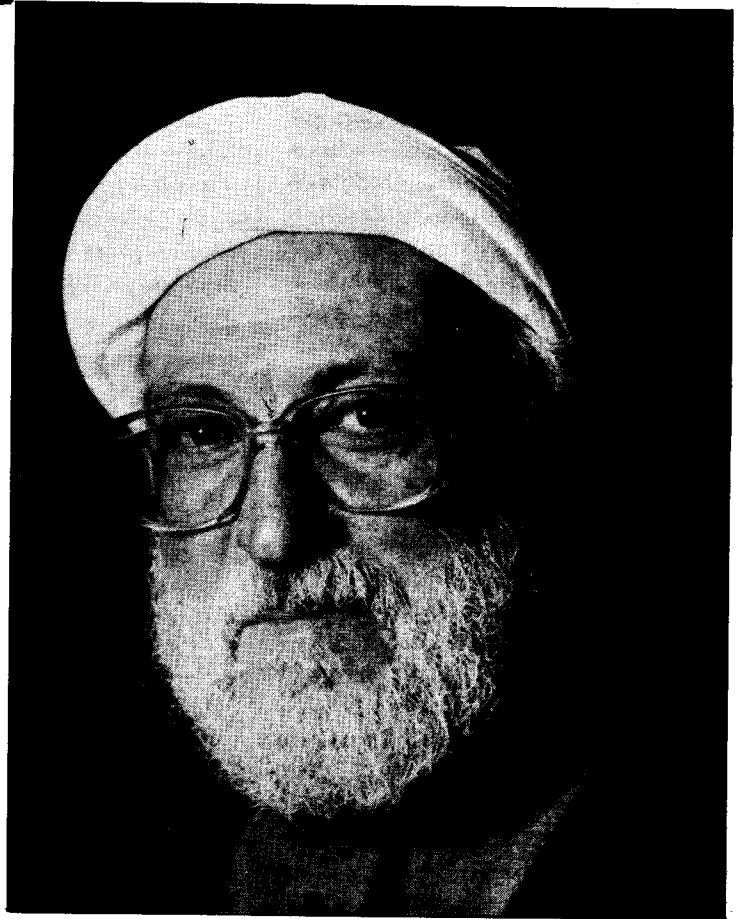
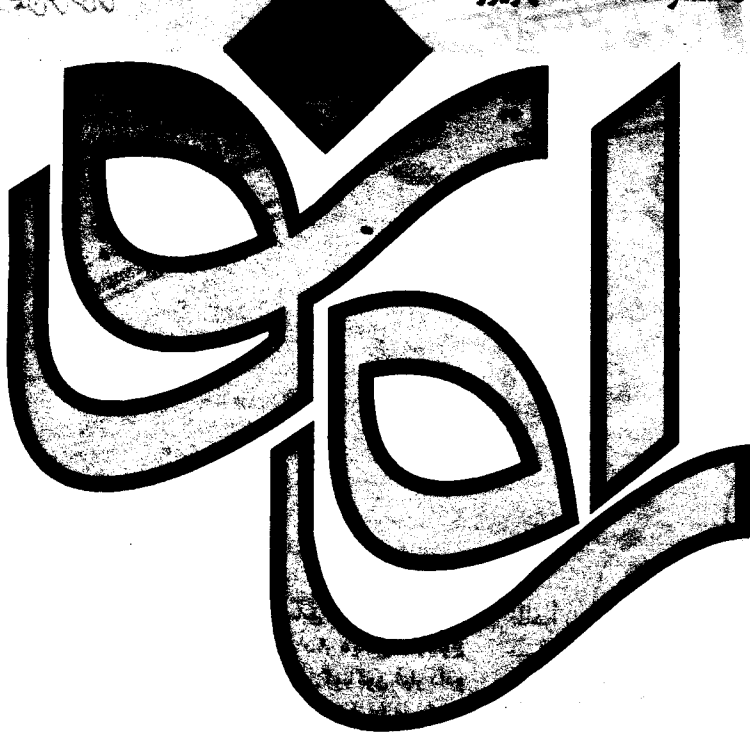


# قرائت رسمی از دین بحرانها، چالشها، راه حلها در گفت‌وگو با محمد مجتهد شبستری



بر بالین خشونت محتضر / بهروز ناظر

میزان، وضع فعلی افراد نیست! / یادداشت‌های عابر پیاده

آیین مظهریت / محمد علی اکبری

مرجع تولید کالای سیاست / عباس عبدی

شورای نگهبان در برابر یک انتخاب: واگرایی یا همگرایی ملی / حمید کاویانی

برآمدن لیبرال دموکراسی‌های کز و کوژ (۲) / فرید زاگر / غلامحسین میرزاصالح

مرد ده‌ریگی به نام عدالت اجتماعی / فریدریش هایک / عزت‌الله فولادوند

نظارت فقیه (۲) / آیت‌الله حسینعلی منتظری

حکومت ولایی (۱۷) بررسی ادله نقلی ولایت فقیه / محسن کدیور

تهاجم فرهنگی؛ مقاومت فرهنگی / محمود فاضلی بیرجندی

قدرت اسطوره / در گفت‌وگو با عباس مخبر

دین در محدوده ایمان / احمد نراقی

گفتاری در اولویت اقتصادی توسعه سیاسی (۴) / محسن زانی

بحران مالی شرق آسیا و توهم جهانی شدن اقتصادها / همایون فریور

۲۸ ماه از نوع دیگر (۶) / محمد ترکمان

یک پیشنهاد نو (چگونه مبارزات ضد امریکایی را تعمیق کنیم؟)

بهرروز ناظر: اینان با تهدید به سرکوب، شورش را تبلیغ می‌کنند و آنان با تبلیغ شورش، سرکوب را تشویق می‌کنند.

محمد علی اکبری: مخالفان انتخاب مستقیم رهبری توسط مردم، عموماً به ناتوانی مردم در تشخیص مجتهد استناد می‌کنند، حال آن که همین مردم به طور مستقیم کسانی را برمی‌گزینند که باید رهبری را انتخاب کنند. اگر

مجتهد شبستری: دین اسلام آن طور که در بسط تاریخی، خودش را نشان داده است، نظام‌هایی که در همه عصرها بتوان با آن زندگی کرد نداشته است و هیچ دینی نمی‌تواند چنان نظام‌هایی داشته باشد.

علم فقه و تعیین حلال و حرام فقهی نمی‌تواند برنامه حکومت را معین کند.

این تعبیر که «مدیریت دینی در دنیای

توسعه سیاسی و ایجاد تحرک در اطلاع‌رسانی و گسترش فرهنگ نقادی و نهایتاً بسط طبقات روشنفکری، یک عمل اقتصادی است که هزینه‌های تاریخی فراوانی را برای جامعه صرفه‌جویی می‌کند و موجب پایداری وضعیت‌هایی می‌شود که اقتصاددانان آن را کارایی برتر و کارایی تاریخی می‌نامند.

## گفتاری در

# اولویت اقتصادی

## توسعه سیاسی (۴)

# روشنفکری، رشد و کارایی

انسانها در خلوت ضمیر خود ممکن است به مدارج بالای تمالی، تکامل و احساس سعادت دست یابند. بدون آن که این احساس سعادت‌تمندی لزوماً در رفتار و تظاهرات بیرونی زندگی آنان متجلی شود. مولوی از آتش عشقی که از خرمن شمس در او درگرفت، مولوی شد. اما شمس نه پارگاهی داشت، و نه مقبره و کتابی بر جای گذاشت. اما بر خلاف افراد، جوامع، زندگی، پویایی و خوشبختی خویش را در عرصه‌های مادی و معنوی تمدن خویش متبلور می‌سازند.

آدمیان به واقع صاحب اندیشه، احساس و حافظه‌اند و اینها می‌تواند هیچ تبلور بیرونی نداشته باشد. اما اندیشه، احساس و حافظه جوامع، تنها در تبلور بیرونی، موجودیت می‌یابد. بنابراین جامعه سعادت‌مند بی‌گمان این احساس را

تبلور مادی خواهد بخشید. بدین ترتیب پویایی، توانایی و سعادت‌تمندی جوامع، در تمدن مادی بر جای مانده از آنها ظاهر می‌شود و «پیشرفت»، خون حیات‌بخش یک تمدن زنده است.

اما پیشرفت حاصل دو فرایند است: «ثبات» و «رشد». ثبات و رشد دو هدف اصلی هر اقتصاد است و در واقع تلاش تمامی دولت‌های مدرن، در جهت تحقق این دو هدف است.

اقتصادهای توانا و دولت‌های موفق آنهایی هستند که این دو هدف اصلی را با کمترین هزینه برآورده می‌سازند.<sup>۱</sup>

استعدادهای پنهان آدمیان، فرصت‌های بالقوه سودآور، ظرفیتهای انسانی و مادی مترکم، زمینه‌های خلاقیت، امکان پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، و هر آنچه که مقدمه «پیشرفت» تلقی می‌شود، در شرایط «ثبات» شکل می‌گیرد. پس از آن هنگامی که شرایط و انگیزه‌های لازم پدید آید، این استعدادها و ظرفیتهای منجر به «پیشرفت» می‌شود. در واقع در شرایط ثبات، ظرفیتهای «بالقوه» برای پیشرفت شکل می‌گیرد و آنگاه در شرایط رشد، ظرفیتهای «بالفعل» پیشرفت، پدیدار می‌گردد.

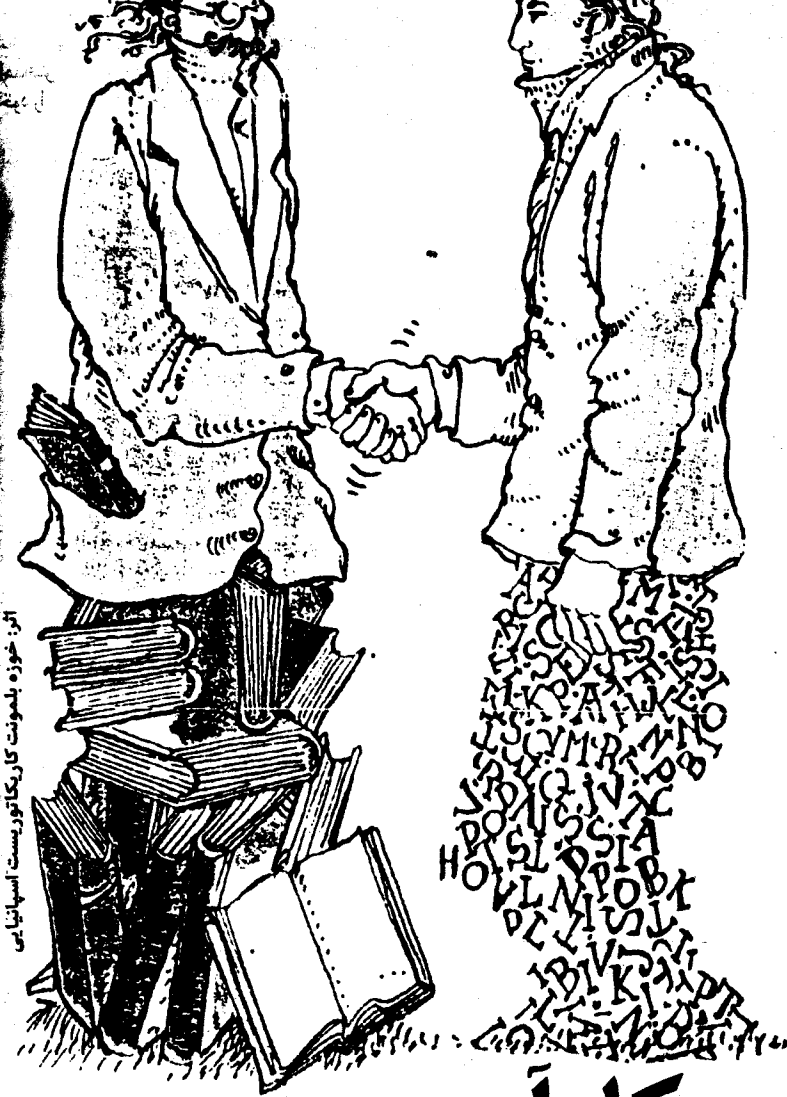
وقتی ثبات از عرصه‌های اقتصادی فراتر رود و تمامی عرصه‌ها و جوانب زندگی اجتماعی را در برگیرد، جامعه به «تعادل» می‌رسد. و وقتی رشد به همه ابعاد زندگی اجتماعی گسترش یابد، جامعه «تکامل» می‌یابد. پس ثبات و رشد اقتصادی مرحله‌ای از تعادل و تکامل اجتماعی‌اند. در تقسیم‌بندی سیستمها، جامعه در بالاترین سطح

رده‌بندی سیستمها قرار دارد. جامعه یک سیستم پیچیده با تصمیم‌گیرندگان متعدد است. به زبان سیستمی، «پایداری» و «پویایی» دو مشخصه اصلی و مهم یک نظام اجتماعی-فرهنگی زنده و پیش‌رونده است.<sup>۲</sup> وقتی یک نظام اجتماعی، پایدار است، یعنی تحول و تنش میان اجزاء آن در حداقل لازم است و نظام بدون تکانهای شدید به سوی اهدافش حرکت می‌کند. بنابراین پایداری یک نظام، در برگزیده مفاهیم تعادل اجتماعی و ثبات اقتصادی نیز هست.

همچنین وقتی یک نظام اجتماعی «پویا» است، یعنی قدرت ایجاد تحول لازم و انطباق تدریجی با شرایط بیرونی را دارد. بنابراین پویایی یک نظام، مفاهیم تکامل اجتماعی و رشد اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد. پس اگر جامعه‌ای (به عنوان یک سیستم) ویژگیهای پایداری و پویایی را داشت، قطعاً تعادل و تکامل اجتماعی، و ثبات و رشد اقتصادی نیز دارد. بنابراین جامعه آنگاه به عنوان یک سیستم، به گونه‌ای درون‌تزا و خود‌انگیخته به ثبات و رشد اقتصادی دست می‌یابد که فرایندهای مربوط به پایداری و پویایی را در خود داشته باشد.

یک سیستم آنگاه پایدار و پویاست که سه فرایند را در خود داشته باشد: فرایند بازخورد اطلاعات،<sup>۳</sup> فرایند اصلاح،<sup>۴</sup> فرایند انطباق.<sup>۵</sup> گردش درست اطلاعات و تصمیمات از اجزاء سیستم به مراکز تصمیم‌گیری و بالعکس را، فرایند بازخورد اطلاعات می‌نامیم. فرایند اصلاح، انحرافات سیستم را از اهداف تعیین شده و مورد نظر تصحیح می‌کند. و سرانجام فرایند انطباق، سیستم را با تغییر در شرایط بیرونی و پیرامونی (سیستمهای مجاور) منطبق می‌سازد. در فرایند اصلاح، اجزاء سیستم ثابت می‌مانند. اما عملکرد آنها اصلاح می‌شود. اما در فرایند انطباق، یا سیستم تجدید سازماندهی می‌شود و یا اگر لازم شد، برای انطباق با شرایط جدید، اجزایی از آن حذف یا به‌آن اضافه می‌شود. این فرایندها را با ارائه مثالی بهتر می‌توان شناسایی کرد.

یک اتومبیل همراه با راننده آن را می‌توان مجموعاً یک سیستم انگاشت. هدف این سیستم، حرکت از نقطه‌ای و رسیدن به نقطه دیگری است. در طول راه، راننده دائماً از طریق آمپرسنجه و درجه‌هایی که در مقابلش قرار دارد، در جریان وضعیت اتومبیل قرار می‌گیرد و واکنشهایی متناسب با آنها را انجام می‌دهد. وقتی کیلومتر شمار از حد معینی بالاتر



آرن: خوزه بلنوت کاراکاتورست اسپانیایی

محسن رنایی

رفت، او یا را از روی پدال گاز برمی‌دارد و سرعت را کاهش می‌دهد. یا اگر چراغ بنزین روشن شود، راننده در اولین پمپ بنزین توقف و سوخت‌گیری می‌کند. مجموعه این اطلاع‌رسانیها و تصمیم‌گیریها و واکنشها را فرایند بازخورد اطلاعات می‌نامیم (که به واسطه تعداد زیادی از ابزار مادی و فنی و یا علائم و نشانه‌های قراردادی محقق می‌شود).

اکنون اگر اتومبیل پنجره شود، برق اتومبیل قطع شود و یا خرابی دیگری پدید آید، راننده اقدام به اصلاح و تعمیر خواهد کرد. مجموعه این تصمیمها و فعالیتها، فرایند اصلاح را تشکیل می‌دهد. روشن است که در درون هر فرایند اصلاح، یک یا چند فرایند بازخورد اطلاعات وجود دارد که سرانجام منجر به اصلاح خرابی اتومبیل می‌شود.

سرانجام اگر یکباره بارش برف آغاز شود و جاده لغزنده شود (تغییر در شرایط بیرونی) راننده، با بستن زنجیر چرخ، وضعیت اتومبیل را با شرایط جدید جاده تطابق می‌دهد. مجموعه اطلاعها، تصمیمها و فعالیت‌هایی که منجر به سازگاری ما با شرایط جدید می‌شود، فرایند انطباق نام دارد. پس در درون هر فرایند انطباق نیز یک یا چندین فرایند بازخورد اطلاعات وجود دارد. مجموعه عملکرد این سه فرایند است که باعث می‌شود اتومبیل و راننده‌اش با گذر از شرایط مختلف، سالم به مقصد برسند. در صورت نقصان در هر یک از این فرایندها، احتمال عدم دستیابی درست به اهداف مورد نظر (رسیدن به مقصد، با کمترین هزینه، به موقع و به سلامت) و احتمال تحمل هزینه‌های پیش‌بینی نشده، شدیداً افزایش می‌یابد و گاه منجر به حوادثی می‌شود که کل موجودیت سیستم را نابود می‌کند (مثل سقوط اتومبیل به دره به دلیل نداشتن زنجیر چرخ در زمستان).

اکنون طبیعی است که بپذیریم جامعه به عنوان یک سیستم، بسیار پیچیده‌تر از اتومبیل و با داشتن تصمیم‌گیرندگان متعدد، به طور اولی نیازمند فرایندهای سه‌گانه سیستمی است. در غیر این صورت، یا جامعه به اهداف خود دست نخواهد یافت و یا حتی در صورت ضعف شدید این فرایندهای سه‌گانه، ممکن است اصل موجودیت جامعه (به دلیل تصمیم‌گیریهای خطا یا تنشها، درگیریها و نهایتاً انقلابهای اجتماعی) زیر سؤال رود. هر چه این فرایندها، سه

سود را سرپرست به معیار سرمایه‌بروری متعقب می‌سازد. بنابراین سرعت و قدرت واکنش به خطاها (انحراف از اهداف سیستم) و به تغییر شرایط بیرونی، می‌تواند به عنوان معیاری برای کارایی یک سیستم اجتماعی تلقی شود. زیرا هر چه سرعت و قدرت واکنش بیشتر باشد، جامعه زمان کمتری را در خطا یا در شرایط ناسازگار می‌گذراند و بنابراین هزینه کمتری متحمل می‌شود.

بدین ترتیب، جامعه‌ای پایدارتر و پویاتر است که فرایندهای سه گانه سیستمی قویتری دارد. این همان راز ماندگاری و پیشرفت نظام‌های اجتماعی-اقتصادی غربی (سابقاً سرمایه‌داری) است. بگذارید با یک مثال افراطی آشنا شویم. مارکس کتاب «سرمایه» (کاپیتال) را بر علیه سرمایه‌داری، در قلب سرمایه‌داری (لندن) تألیف و منتشر ساخت. نظام سرمایه‌داری ده سال به او اجازه داد تا در لندن و با استفاده از امکانات مختلف جامعه سرمایه‌داری و به هزینه یک بیجه سرمایه‌دار (انگلس) کتابی بر علیه سرمایه‌داری بنویسد. اما مارکس با این کار خود در واقع پرده از نقاط ضعف سرمایه‌داری (که می‌توانست در بلند مدت منجر به شکست نظام شود) برمی‌داشت. در حقیقت مارکس یک حلقه از فرایند بازخورد اطلاعاتی شده بود که انحرافات سیستم اجتماعی غرب را نمایش می‌داد و نقاط ضعف آن را، یا تحول در شرایط بیرونی و لزوم انطباق سیستم را با آنها آشکار می‌کرد. سرمایه‌داری با بهره‌برداری از همین زوایای که مارکس و دیگران از طریق نشر کتابهایشان و انتشار مجلاتشان به او دادند، خطاهای خود را تصحیح کرد و خود را با شرایط جدید تطبیق داد و دوام (پایداری) خویش را تضمین کرد. و به همین دلیل است که اکنون اتحادیه‌های کارگری، بیمه‌های اجتماعی، آموزش رایگان، خدمات عمومی و... که اصولاً عناصری غیر سرمایه‌داری هستند، به عنوان اجزاء و نهادهای جا افتاده در جوامع غربی، مستقر شده‌اند. اگر سرمایه‌داری از این فرایند محروم بود و به کسانی مثل مارکس امکان انتقاد نمی‌داد، احتمالاً اولین انقلاب کمونیستی در غرب اتفاق می‌افتاد. اما چنین نشد و سرمایه‌داری از این خطر رست و تجربه چنین انقلابی را (با هزینه‌های سنگین آن) برای یک کشور غیر سرمایه‌داری (روسیه) و نهاد.

پس در واقع مارکس (ظاهراً بزرگترین دشمن سرمایه‌داری) ناگاهانه به عنوان خادم سرمایه‌داری عمل کرد و به بیان بهتر، سرمایه‌داری این خدمت را از او گرفت و هزینه‌هایی که از این رهگذر برای جهان غرب صرفه‌جویی شد، قابل اندازه‌گیری نیست!

پس یک سیستم پویا تنها از مخالفین و منتقدین خود هراسی ندارد، بلکه از آنها استقبال می‌کند تا از رهگذر آنان، خطاهای خود را اصلاح کند، یا خود را با شرایط جدید انطباق دهد. در واقع بهترین خادمان یک سیستم، منتقدین آن هستند. در این میان، بین منتقد هوادار یا مخالف و بین منتقد راستگو یا دروغگو هیچ فرقی نیست. آنان همگی به پایداری و پویایی سیستم خدمت می‌کنند. منتقدین راستگو (خواه هوادار، خواه مخالف) نقاط ضعف نظام را آشکار می‌کنند و اولین گام را برای اصلاح یا انطباق برمی‌دارند. منتقدین دروغگو نیز نقاط قوت سیستم را آشکار می‌کنند. و البته همه اینها مشروط به گردش آزاد و درست اطلاعات است تا امکان فریب دادن و گمراه کردن عناصر سیستم (مردم و نهادهای محاذل برسد.

اکنون می‌توان گفت که توسعه سیاسی، منجر به گسترش و تقویت فرایندهای سه گانه فوق می‌شود. توسعه سیاسی با بسط مطبوعات و ابزارهای اطلاع‌رسانی، راه را بر گردش آزاد و درست اطلاعات می‌گشاید و بنابراین فرایند بازخورد اطلاعات را تقویت می‌کند. توسعه سیاسی همچنین با پذیرش و رسمیت بخشیدن به ابزارهای انتقاد و با دادن آزادی به منتقدین و تضمین آزادی بیان، فرایندهای اصلاح و انطباق اجتماعی را تقویت و تسریع می‌کند.

منتقدین، خادمان حقیقی و مداحان، دشمنان واقعی جوامعند. مداحان همانند درجه بنزینی هستند که همیشه مقدار پُر را نشان می‌دهد و باعث می‌شود تا سرانجام اتومبیل در میانه راه به دلیل نداشتن سوخت متوقف شود. اما منتقدین، درجه بنزینی هستند که یا درجه حقیقی را نشان می‌دهد، یا (در بدترین حالت) موجودی سوخت را کمتر از حد نمایش می‌دهد. در هر دو صورت جامعه زبانی نمی‌کند بلکه سود می‌برد.

توسعه سیاسی آمپرسنجها، کیلومترشمارها و درجه‌هایی را که همیشه درجه پُر یا مقادیر عالی و ایده‌آل را نمایش می‌دهند حذف می‌کند و به جای آنها آمپرسنجهای واقعی می‌نشانند. کدام بخش از تمدن بشری را می‌توان به مداحان نسبت داد؟ چه آشناری چند و برخی نوشته‌ها یا یادبودها. سبب چیست که چیزی از مدیون مداحان است؟ اما همه تمدن بشری مدیون ناقدان وضع موجود (در طول تاریخ) و یا اصلاح‌طلبان بوده است: توسعه سیاسی به منزله مرگ فرهنگ

تاریخ ایران روایتگر آنبوهی از شاهران مدیحه‌سرانی است که دهانشان به عنوان صله، از زر پر شده است و آکنده از حکایت ناقدان یا ناصحان است که شرب کداحته به حلقومشان ریخته شده است. توسعه سیاسی، این تصویر را دگرگون می‌کند. اگر پایداری نظام اجتماعی-سیاسی ایران همچون هر سیستم دیگری به وجود فرایندهای سه گانه یاد شده وابسته است، زمانی می‌توان از وجود (به طور نسبی) این فرایندهای سه گانه مطمئن شد که جامعه انباشته از نهادها و ابزارهای قانونی و طیف گسترده‌ای از افراد، گروهها و احزابی باشد که ناقد وضع موجودند.

جابه‌جایی مداوم سلسله‌ها، حکومتها و رژیمهای سیاسی در ایران (به دلیل تهاجم خارجی، شورش، یا انقلاب) تا به امروز ناشی از فقدان همین فرایندهای سه گانه بوده است. علت عدم کارکرد این فرایندها نیز فقدان ابزارها، نهادها و طیفی از ناقدان اجتماعی بوده است و تجلی آن نیز فقدان تاریخی طبقات گوناگون روشنفکری در ایران است. ما هیچ گاه طبقات یا طبقه‌ای از روشنفکری انسجام یافته و نهادینه را (به عنوان گروهها یا افرادی که با ابزارهای قانونی از زوایای گوناگون به نقد وضع موجود می‌پردازند) تجربه نکرده‌ایم. در واقع دوم خرداد ۷۶، خود یک فرایند بازخورد اطلاعات بسیار قوی و فراگیری بود که بخش اعظم جمعیت کشور در آن مشارکت داشتند و اگر به فرایندهای اصلاح و انطباق نینجامد، در مرحله بعد ممکن است هزینه‌های سنگینی بر جامعه تحمیل شود. اما این فرایند بازخورد اطلاعات (حادثه دوم خرداد)، خود حاصل قضای نسبتاً جدید و شمار قابل توجهی از روشنفکران ناقدی است که

**بهترین خادمان یک سیستم، منتقدین آن هستند. در این میان، بین منتقد هوادار یا مخالف و بین منتقد راستگو یا دروغگو هیچ فرقی نیست. آنان همگی به پایداری و پویایی سیستم خدمت می‌کنند. منتقدین راستگو (خواه هوادار، خواه مخالف) نقاط ضعف نظام را آشکار می‌کنند و اولین گام را برای اصلاح یا انطباق برمی‌دارند. منتقدین دروغگو نیز نقاط قوت سیستم را آشکار می‌کنند.**

در دوره پس از جنگ پدیدار شدند و با نقد وضع موجود (از زوایا و در زمینه‌های گوناگون) اطلاعات را انتشار دادند و اجازه ندادند شدت خطا و انحراف در سیستم به حدی شود که قابل بازگشت نباشد و منجر به یک جابه‌جایی عظیم دیگر (که بسیار پرهزینه است) شود.

بنابراین هر چه جامعه‌ای پایدارتر و پویاتر باشد، طبقه روشنفکری آن گسترده‌تر است و روشنفکران بیشتر قدر می‌بینند و بر صدر می‌نشینند. و این گونه است که بیشتر جویای ملی و جهانی در کشورهای اروپایی تیار، به دانشمندان، ادیبان، هنرمندان و سیاستمدارانی تعلق می‌گیرد که اندیشه، حرکت و شیوه تازه‌ای را - برخلاف سنت موجود - ابداع و معرفی کرده‌اند.

بنابراین ممانعت و مخالفت با گسترش روشنفکری، یک عمل ضد سیستمی و در جهت اضمحلال سیستم است. روشنفکری یعنی نقادی اجتماعی و این یعنی درست کار کردن آمپرسنجهای اجتماع. آنان که با روشنفکری مبارزه می‌کنند و با انواع روشها، فشارها، انگها و تنگناها آنان را از ایفای رسالت اجتماعی خویش محروم می‌سازند، در واقع نمی‌خواهند آمپرسنجهای جامعه درست کار کنند. روشنفکری برای جامعه دقیقاً کارکرد آمپرسنجه و درجه‌ها را در سیستمهای فنی دارد. آمپرسنج خوب، آمپرسنجی است که حقیقتاً درست کار کند. اما همان گونه که برای آمپرسنجهها و حرارت سنجه کاربرد پسوندهایی مثل انقلابی، ارتجاعی، ملی، غیر ملی، مستقل، وابسته و... بی‌مفهوم است، کاربرد این گونه اصطلاحات برای روشنفکری نیز مبنایی ندارد و همان گونه که ذکر شد وجود روشنفکری از هر نوع (هوادار، مخالف، راستگو، دروغگو و...) برای جامعه سودمند است.

توسعه سیاسی، به منزله تکثیر روشنفکری است و بنابراین موجب تقویت فرایندهای سه گانه سیستم می‌شود و نظام اجتماعی-اقتصادی را از پیمودن راههای پر هزینه یا تحمل حوادث خسارت بار محفوظ می‌دارد. بدین ترتیب، توسعه سیاسی و ایجاد تحریک در اطلاع‌رسانی و گسترش فرهنگ نقادی و نهایتاً بسط طبقات روشنفکری، یک عمل اقتصادی است که هزینه‌های تاریخی فراوانی را برای جامعه

تاریخ مفهوم معمول اقتصادی‌اش، به معنی بهترین استفاده از عوامل تولید برای حداکثرسازی تولید (یا سود) با کمترین هزینه ممکن است. اما تحقق همزمان دو مفهوم کارایی برتر و کارایی تاریخی زمانی میسر می‌شود که یک نظام اقتصادی-اجتماعی به گونه‌ای حرکت کند که بتواند در طول تاریخ تمامی ظرفیتهای، تواناییها و استعدادهای مادی و انسانی خود را کشف کند و به گونه‌ای بهینه به کار گیرد و با کمترین هزینه، بیشترین احساس لذت، خوشبختی و سعادت را برای شهروندانش فراهم آورد.

به طور خاص، کارایی برتر، زمانی محقق می‌شود که نه تنها معیارهای اقتصادی مثل تولید، اشتغال، رشد و... بهبود یابد، بلکه معیارهای دیگری مثل آزادی، امنیت، همدردی، مروت، عدالت در توزیع درآمد و ثروت و... نیز بهبود یابند. همچنین کارایی تاریخی وقتی وجود خواهد داشت که یک نظام در طول تاریخ کمترین هزینه را بر ملت خویش تحمیل کند. هر نظامی که قدرت و سرعت اصلاح خطاها و انطباق با شرایط جدید در آن بیشتر باشد، در طول تاریخ هزینه کمتری بر ملت خویش تحمیل خواهد کرد. چرا که با تحول و انطباق تدریجی و لازم، نیاز به جابه‌جاییهای عظیم و یکباره در قدرت، ثروت و منابع را (که معمولاً با شورش، انقلاب یا فروپاشی همراه است) از بین می‌برد و بنابراین در هزینه‌های عظیمی که این نوع تحولات بنیادین بر هر جامعه‌ای تحمیل می‌کنند، صرفه‌جویی می‌شود.

هم اصلاحاتی که برای دستیابی به معیارهای کارایی برتر، ضروری است و هم انطباقهایی که لازمه کارایی تاریخی نظام اجتماعی است، از طریق عملکرد فرایندهای سه گانه سیستمی (که با استقرار راهها و ابزارهای قانونی نقادی و بسط طبقات گوناگون روشنفکری پدیدار می‌شوند) محقق خواهد شد. در غیر این صورت، نظام، راههای تصحیح خطا و تجدید نظرهای ضروری را به روی خویش می‌بندد و جامعه را به جایی می‌رساند که مجبور شود با انهدام در نظام خویش تجدید نظر کند. رژیم شوروی سابق نمونه بارزی از نظامی بود که راه را بر فرایندهای اصلاح و انطباق بست و سرانجام جامعه، با انهدام در نظام خویش تجدید نظر کرد و البته چنین راهحلی، هزینه‌های تاریخی سنگینی نیز بر جامعه تحمیل خواهد کرد. بنابراین نه تنها ثبات و رشد اقتصادی، بلکه کارایی برتر و کارایی تاریخی جامعه نیز در گرو کارکرد فرایندهای سه گانه سیستمی است و توسعه سیاسی با بسط و نهادینه کردن ابزارها و نهادهای نقادی اجتماعی و با بسط طبقه روشنفکری، راه را بر پدیداری این فرایندها می‌گشاید. تنها جامعه برخوردار از ثروتها و مواهب سرشار طبیعی است که می‌تواند در بلند مدت در شرایط عدم کارایی تاریخی دوام بیابد. راز دوام جامعه ایرانی در طول تاریخ معاصر (که وارد تعامل جدی با جهان پیرامون خود شده است و از حالت یک نظام اجتماعی ایستا و سنتی به در آمده است) نیز همین برخورداری از درآمد سرشار نفت بوده است. در طول این سالها، نفت تمامی حفره‌های ناکارایی - ناشی از عقب‌افتادگی نظام اجتماعی یا ناشی از بی‌ایقانی زمامداران - را پر کرده است. در طول این سالها ما همچون تاجرزاده تروتمندی بوده‌ایم که همواره در فعالیت اقتصادی با زیان روبه‌رو بوده است (به علت بی‌کفایتی خود و کارگزارانش) اما زبانه‌های حاصله را با میراث پدر جبران می‌کرده است و این مانع ورشکستگی اقتصادی او شده است.

اینکه که از یک سو نفت به تدریج از گهردونه مصارف سوختی و صنعتی خارج می‌شود و بازارهای جهانی نفت با مازاد عرضه واقعی روبه‌رو شده‌اند و بنابراین کاهش قیمت نفت، احتمالاً پایدار خواهد بود و از سوی دیگر تورم جهانی و کاهش ارزش جهانی دلار قدرت خرید درآمدهای نفتی ما را به شدت کاسته است، دیگر نمی‌توان بر درآمد نفت - به عنوان عاملی برای جبران ناکارایی ملی - تکیه کرد.

بنابراین گاه آن است که - اگر قصد ماندن داریم - موانع کارایی تاریخی را بر مرتفع سازیم و توسعه سیاسی، گام نخست آن است. چرا که دیگر فرصتی برای گفت‌وگو از آرماتشر باقی نیست. اکنون مسئله، «ماندن یا نماندن» است. گرچه بهائیم هم، عصر آرماتشری‌گری سپری شده است. «مرثیه‌های برای آخرین آرماتشر» سخن آینده ماست.

#### زیرنویسها

۱. در مورد اهداف و وظایف نظریه‌های اقتصادی، بنگرید: رنزی، محسن؛ بازار یا بازارها؟ مرکز مدارک و انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران؛ ۱۳۷۶ فصل اول.
۲. در مورد تعاریف، تقسیم‌بندی و مشخصه‌های سیستمها به منابع زیر مراجعه شود: - دوران، فانی؛ نظریه سیستمها: ترجمه دکتر محمد یمنی؛ انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- دورنی، زول و بیوشن، جون؛ روش تفکر سیستمی؛ ترجمه دکتر احمد امیر حسین جهانبگلو؛ انتشارات پیشرو، تهران، ۱۳۷۰.
- فرهاد، مهدی؛ نگارش سیستمی؛ امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.

3. feedback
4. correction
5. adaptation
6. higher efficiency

پیش  
مترجم:  
محمود طالع مکاریک  
نویسنده: جیمز چپمن و  
نیتین نوریا  
قیمت: ۱۲۵۰ تومان



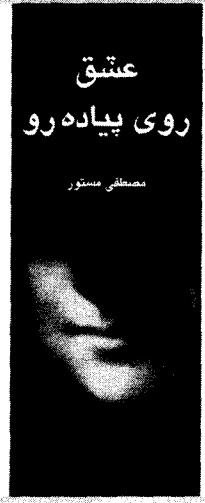
گمانشگی های  
بدفرجام  
نویسنده: دکتر حسن  
نظری (غازیانی)  
قیمت: ۹۵۰ تومان



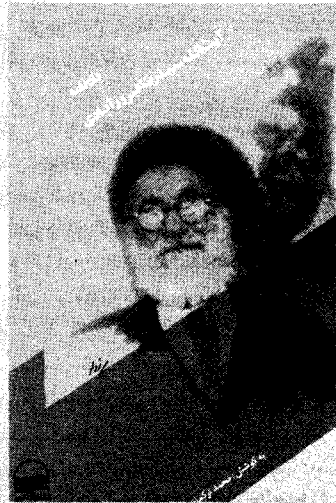
پویا بروی عملیات  
اسرائیل در لبنان  
ترجمه: محمود شمس  
نویسنده: شیمون نیپور  
قیمت: ۱۰۰۰ تومان



حدیث درگمان در قلمرو  
فرهنگ، ادب و هنر  
مترجم: سعید شهرتاش  
قیمت: ۳۳۰۰ تومان



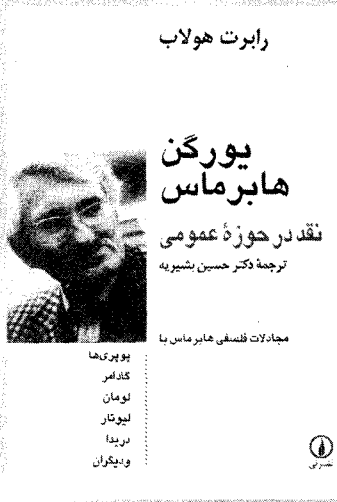
عشق روی پیاده رو  
نویسنده: مصطفی مستور  
قیمت: ۴۰۰۰ تومان



یادنامه آیت الله سید رضا  
فیروز آبادی  
نویسنده: محمد ترکمان  
قیمت: ۱۰۰۰ تومان



ایران بین دو انقلاب  
مترجم: احمد گل محمدی  
و محمد ابراهیم فتاحی  
نویسنده: یرواند آبراهامیان  
قیمت: ۲۵۰۰ تومان



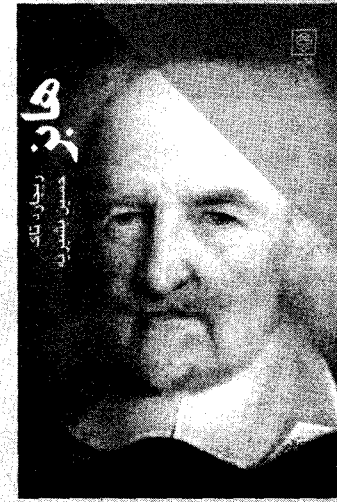
یورگن هابرماس نقد در  
حوزه عمومی  
ترجمه:  
دکتر حسین بشیریه  
نویسنده: رابرت هولاب  
قیمت: ۷۵۰۰ تومان



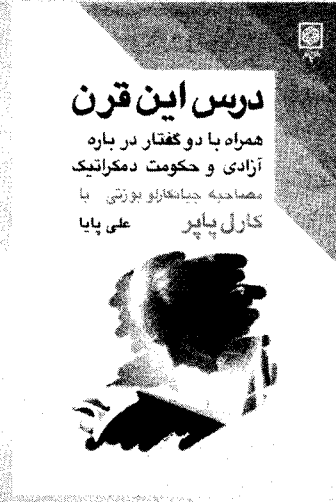
زندگی و زمانه  
دموکراسی لیبرال  
مترجم: مسعود پیرام  
نویسنده:  
دکتر پرومکترسون  
قیمت: ۶۵۰۰ تومان



تام بین  
مترجم: محمد قاندا  
نویسنده: مارک فیلیپ  
قیمت: ۴۵۰۰ تومان



هابز  
مترجم: حسین بشیریه  
نویسنده: ریچارد تاک  
قیمت: ۵۰۰۰ تومان



درس این قرن همراه با  
دو گفتار درباره آزادی و  
حکومت و دموکراسی  
مترجم: دکتر علی پایا  
قیمت: ۶۵۰۰ تومان

• و یا می توانید با شماره ۰۶۷۷-۸۸۲۰۶۷۷ و ۱۱۵۱ گرفته، کتابهای موردنظر خود را سفارش داده و نقداً پرداخت کنید. (ویژه تهران) در صورت لزوم روزانه تحویل گیرنده قید شود.  
• برای ارسال کتاب هیچ گونه وجهی دریافت نمی گردد.  
• کامل کتابهای ناشران فوق موجود است.

**از این پس کتاب بسوی شما می آید**  
موسسه فرهنگی کیان با همکاری چند ناشر معتبر آماده است کتابهای مورد نظر شما را در منزل یا محل کارتان تحویل دهد در این شماره راهنما جدیدترین کتابهای انتشارات رسا -

• پس از انتخاب کتابهای موردعلاقه خود، بهای کتابها را به شماره حساب ۳۳۰۲۱۳۵۶ بانک تجارت شعبه چهارراه ملانک (قابل وصول در تمامی شعب بانک تجارت) به نام رضا تهرانی واریز کرده و فیش آنرا همراه نشانی دقیق خود به صندوق پستی شماره ۱۵۸۷۵-۵۵۶۱ پست کنید.  
• لطفاً: «پست بانک» نام کتابها را به صندوق پستی